



نگاهی به حقوق گردشگری با تأکید بر حقوق بشر

رضا خدابخش^{۱*} / پریسا میرمحمدعلی تجریشی^۲

چکیده

هدف از نگارش این مقاله، تبیین مضمون و مستندات حقوقی مربوط به گردشگری و جهانگردی در سطح بین‌المللی است. شناخت حقوق بیگانگان، با توجه به رشد جوامع و گسترش ارتباطات در جامعه جهانی ضروری می‌باشد. چشم‌انداز آینده صنعت گردشگری بدون ایجاد زیرساخت و تدوین برنامه بلندمدت قطعاً امکان‌پذیر نخواهد بود. امروزه دولت‌ها با توجه به وضعیت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، معاهدات و مقتضیات حقوقی و جامعه بین‌المللی، بیگانگان را از حقوق انسانی برخوردار می‌دانند. گردشگر به‌اعتبار انسان بودن فارغ از هرگونه اختلاف در دین، مسلک، تابعیت، نژاد و موقعیت از حقوق انسانی و طبیعی برخوردار است. گردشگری به عنوان یک صنعت از بعد اقتصادی بسیار مورد عنایت بوده است و تولید ثروت و اشتغال را به همراه دارد لکن بررسی این پدیده از منظر اجتماعی و حقوقی به‌طور مطلوب ناکام مانده است؛ از طرف دیگر شناختن حق گردشگری به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر، حقوق قانونی شخص بیگانه را تحت پوشش قرار می‌دهد و موجب به رسمیت شناخته شدن مسئولیت حقوقی در قبال این امر مهم است که نیاز آن به‌وضوح احساس می‌شود. افزون بر این، مهم‌ترین چالش، بحث اجرایی شدن این حق است و لازمه‌ی آن شناسایی حقوق و آزادی‌های اساسی بشری است که در اسناد بین‌المللی مختلف مورد پذیرش واقع شده‌اند، چنین حقوقی دسترسی تمام افراد از هر قشر، نژاد و مذهبی را به‌طور عادلانه با حفظ منابع و آثار گردشگری تضمین می‌نماید. لذا این مقاله با توسل به اسناد بین‌المللی مربوطه، گردشگری را در مقام یک صنعت و در برابر آن، به عنوان یک حق اجتماعی تحلیل می‌کند.

واژگان کلیدی: گردشگری، گردشگر، حقوق بشر، حق اساسی، صلح، سازمان جهانی گردشگری

۱- مقدمه

امروزه از گردشگری به‌عنوان صنعت بدون دود یاد می‌شود که هم علت و هم پیامدی در روند جهانی شدن است به‌گونه‌ای که بسیاری از برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه، صنعت گردشگری را رکن اصلی توسعه پایدار و برقراری صلح می‌دانند. این پدیده در مقام شاخص عمده امنیت در جوامع مختلف مطرح است به‌گونه‌ای که هر اندازه امنیت جامعه در سطح بالاتری قرار گیرد، سرمایه‌گذاری خارجی نیز به همان اندازه افزایش خواهد یافت. با شروع انقلاب صنعتی که شهرنشینی از مهم‌ترین پیامدهای آن بود، نیاز به مسافرت و گذران اوقات افزایش یافت. بنابراین نخستین اقدامات در زمینه گردشگری در این سال‌ها آغاز شد. با گسترش فعالیت‌های گردشگری، سازمان جهانی گردشگری (UNWTO)^۲ با هدف هرچه سهل و آسان‌تر

^{۱*} نویسنده مسوول: دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، (rz_khodabakhsh@yahoo.com).

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، (parisatajrishi@yahoo.com).

۱. United Nations World Tourism Organization.



شدن جابه جاییها و فعالیت‌های گردشگری، شکل گرفت. این سازمان کار خود را در سال ۱۹۲۵ تحت عنوان اتحادیه بین‌المللی سازمان‌های رسمی مسافرتی^۱ آغاز کرد؛ و در سال ۱۹۷۵ کارش را با عنوان سازمان بین‌المللی و عامل اصلی سازمان ملل متحد در زمینه جهان گردی با نام سازمان جهانی گردشگری (جهان گردی) ادامه داد. از اهداف این سازمان، گسترش و توسعه جهان گردی با در نظر گرفتن کمک به توسعه اقتصادی، تفاهم بین‌المللی، صلح، احترام جهانی بدون هیچ‌گونه تمایز نژادی، جنسی، زبانی و مذهبی است. بر اساس تعاریف سازمان جهانی گردشگری، «گردشگر کسی است که به سرزمین یا کشوری غیر از محل اقامت دائمی خود مسافرت می‌کند و حداقل یک شب و حداکثر یک سال در آن‌جا می‌ماند و دلیل عمده‌ی مسافرت او تفریح، استراحت، دیدار بستگان، درمان، زیارت اماکن مقدس، بازدید از آثار تاریخی و مراکز هنری و فرهنگی، شرکت در مسابقات ورزشی یا تماشای آن، دیدن نمایشگاه‌های بازرگانی یا مراکز فعالیت‌های اقتصادی و شرکت در همایش‌ها و نشست‌ها است»^۲. سیر و سفر موجب اشتراک فرهنگی می‌شود و این درک برای ملل به وجود می‌آید که به‌رغم تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی، نژادی و عقیدتی، هماهنگی و اتحاد موجب انس و الفت، صلح و دوستی میان ملل می‌شود. برای مقرر ساختن چنین نظامی مسلماً مداخله‌ی دولت امری قطعی است؛ این دولت است که در سایه‌ی وضع قوانین اصولی امکان بهره‌مندی از تمام ظرفیت‌های گردشگری را به صورتی امن محقق می‌سازد. البته باید توجه داشت که دولت‌ها در این زمینه با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند چراکه حق گردشگری از حقوق ذاتی و اساسی بشر است و هرگاه دولتی بدون دلیل قانونی و معتبر اجازه‌ی ورود و خروج به گردشگر را ندهد و یا در صورت ورود گردشگر به کشور مقصد، جان و مال او در مصونیت نباشد، دولت مسئول است و فرد اجازه‌ی مراجعه به دادگاه‌های آن کشور و حتی مجامع بین‌المللی و دفاع از حق خود را دارد. این مقررات با تدارک فضایی امن برای گردشگران و حمایت قانونی از آنان، این صنعت را در چفتی پایدار به سوی پیشرفت و نظام‌مند شدن هدایت می‌نماید. با توضیحات فوق، ضرورت پرداختن به این پدیده در راستای نظام حقوق بشر و بین‌الملل آشکار می‌گردد.

۲- گردشگری؛ حقی اساسی

گردشگری یک نیروی اجتماعی عظیم است که مسئولیت تکامل معنوی انسان را بر عهده دارد و اولویت باید به عناصر فنی و انسانی آن داده شود^۳. به منظور توسعه گردشگری اجتماعی، گردشگری را حقی جهانی اعلام داشته‌اند؛ به این معنا که طبقه محروم نیز همانند قشر مرفه از حقوق اساسی بشر فایده ببرد. دخالت مستقیم دولت در گردشگری اجتماعی برای تحقق بخشیدن دسترسی تمامی اقشار مردم به امکانات، غیر قابل انکار است. این موضوع، گردشگری را در مقام یک حق اجتماعی جلوه می‌دهد مثل حق دسترسی به بیمارستان برای بستری شدن یا حق برخورداری از تحصیلات^۴. این نوع نگاه قادر است ایده‌ی جهانی بودن حق گردشگری را به عرصه‌ی عمل برساند. این تلقی خاص از حق گردشگری در جمهوری‌های مردمی سرمایه‌داری مثل کشورهای هلند و سوئد نمود پیدا می‌کند و جمهوری‌های لیبرال و آزادی‌خواه سرمایه‌دار مانند آمریکا به دلیل حضور مستقیم دولت به این مهم توجهی ندارند. اعتقاد گروه اخیر بر آن است که مداخله‌ی دولت، قابلیت سودآور بودن صنعت گردشگری را با خطر روبه‌رو می‌نماید. شرکت‌های بین‌المللی تلاش خود را در جهت ترویج گردشگری به عنوان یک صنعت عمده مصروف می‌دارند و این تنها موضوع قواعد و مقررات بازار است. این بدین معناست که دسترسی نامحدود همگان به منابع فرهنگی و طبیعی غیرقابل جایگزین پیش‌بینی شده است^۵. حال آن که در گردشگری اجتماعی چنین هدفی نمی‌تواند عملی شود چراکه مداخله و حضور دولت دستیابی مردم به منابع را با محدودیت مواجه می‌سازد و مصلحت‌اندیشی‌های حکومتی حق گردشگری را کنترل می‌کند تا مزایای چنین حقی به طور عادلانه برای همه‌ی ملل حتی دولت‌های فقیر و محروم نیز در نظر گرفته شود. لذا می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که گردشگری به‌منزله‌ی یک حق اجتماعی و اساسی و از سوی دیگر در مقام یک صنعت از تفاوت‌هایی برخوردار است که دولت‌ها با توجه به نظام سیاسی خود، به آن روی می‌آورند. استدلال عمده برای پذیرش گردشگری به عنوان یک صنعت این است که با این دید مبادلات خارجی انجام می‌پذیرد و این پروسه منجر به تولید ثروت و شغل می‌شود که به توسعه‌ی اقتصادی کشورها کمک می‌کند. حال آن‌که دسترسی نامحدود گردشگران به منابع طبیعی و فرهنگی کشور میزبان که به دنبال صنعتی بودن گردشگری حادث می‌شود تخریب این منابع را در پی دارد و منافع بیش از اندازه تنها سهم کشورهای توسعه یافته می‌شود. بنابراین این صنعت فقط زمانی در مسیر درست خود قرار می‌گیرد که به عنوان راهی برای اجرای حقوق اساسی بشر شناخته شود.

۲. International Union of Official Travel Organization.

^۳ رجوع کنید به وبسایت رسمی سازمان جهانی گردشگری:

www.unwto.org

۴. The Manila Declaration on World Tourism of ۱۹۸۰.

۵. Wassung, N. and the others (۲۰۰۹). Tourism Development ۱. Phillipa van Aardt. P. ۲۰.

^۵ Ibid.



۳- گردشگری از نگاه حقوق بشر

وضع قوانین و مقررات اصولی و حمایتی برای شناسایی حقوق گردشگری و گردشگران ضروری به نظر می‌رسد. برای جذب گردشگر به سفر کردن بایستی امنیت جانی و مالی و حقوق این افراد مورد حمایت قرار گیرد تا بدون دغدغه مقاصد مورد نظر خود را از جابه‌جایی‌ها تأمین کنند. حال تسری این حمایت‌ها به حقوق بشر موجب به رسمیت شناختن مسئولیت دولت‌ها می‌شود که ضمانت اجرایی در قبال حقوق و آزادی‌های گردشگران است و این‌گونه اسباب بروز توسعه پایدار و پیشرفت فرهنگی و اقتصادی ملل مهیا می‌شود.

مسئله‌ای که ممکن است در ابتدای امر به ذهن متبادر شود بحث تعارض حق گردشگری با حق حاکمیت دولت‌ها است. حاکمیت دولت جنبه‌ی ذاتی دارد و کشور بدون اقتدار معنایی ندارد و به هرج و مرج کشیده می‌شود، در روابط بین کشورها هیچ حاکمیتی بالاتر از حاکمیت دولت وجود ندارد ولی آن‌ها به جهت منافع خود یا قبول تعهداتی، حاکمیت خود را محدود می‌سازند و این دولت است که مطابق اراده‌ی خود عمل می‌کند. از سوی دیگر، حمایت بین‌المللی از حق گردشگری ملازمه با کم‌رنگ شدن اصل عدم مداخله در امور کشورها دارد. لکن حقیقت امر این است که در عالم واقع تعارضی دیده نمی‌شود؛ چراکه شناسایی حق گردشگری به دلیل اشتغال زایی و تولید ثروت در جهت منفعت دولت است و دولت‌ها نیز حاکمیت خود را در جهت منافع مملکت اعمال می‌کنند و این بدین معناست که دولت‌ها خود در به رسمیت شناختن حق گردشگری اعمال حاکمیت نموده‌اند.^۱ تنها زمانی این تعارض مطرح می‌شود که دولتی بدون مجوز خاص و یا دلیل معتبر و قانونی از ورود یا خروج گردشگر ممانعت به عمل آورد، چنین موردی به علت ذاتی و فطری تلقی شدن حق گردشگری قابل قبول نیست. حقوق فطری و طبیعی با سرشت و ذات آدمی ملازمه دارد لذا اختلاف در نژاد، مذهب و جایگاه اجتماعی تفاوتی در اعمال آن ندارد. از مهم‌ترین ویژگی‌های این حقوق، غیر قابل اسقاط بودن است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر^۲ که نشانه‌ای از تکامل فرهنگی بشر است، با تکیه بر کرامت ذاتی انسان و اعلام حقوق طبیعی انسان‌ها ضوابطی را بیان کرده است که رعایت آن، جهانی همراه با صلح و آرامش را ایجاد خواهد کرد. در مقدمه اعلامیه به این مضمون اشاره شده که حمایت قانونی از حقوق انسانی، راه را بر روی ظلم و فشار می‌بندد. این اعلامیه حقوق ذاتی، طبیعی و غیرقابل سلب انسان‌ها را مورد بحث قرار داده پس انسان‌ها نمی‌توانند خلاف مفاد آن را اراده کنند. به نظر می‌رسد به دلیل مبنای طبیعی این حقوق است که وجوه مشترک بسیار زیادی بین مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب سازمان کنفرانس اسلامی سال ۱۹۹۰ میلادی وجود دارد. اساس حق جهانی گردشگری، اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ است. حق گردشگری در پرتو حقوق اساسی بشر تعریف می‌شود. مهم‌ترین موارد، حق استراحت، فراغت، مرخصی با حقوق^۳ و دیگری حق آزادی رفت و آمد^۴ است.

بند ۲۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۹۴۸) و بند ۷ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی (مصوب ۱۹۶۸) مقرر می‌دارند، حق استراحت و فراغت تضمین شده هستند و شامل محدودیت‌های معقول در مورد ساعات کاری و تعطیلات مرخصی دوره‌ای با حقوق می‌باشند. مهم‌ترین اصلی که بر مبنای آن، حقوق گردشگران توجیه می‌شود، حق آزادی رفت و آمد است. این حق اصل غیرقابل انکاری است که انسان‌ها در رفت و آمد از جایی به جای دیگر از آزادی برخوردارند مگر این‌که خلاف آن تصریح شود. گروهی با نیت مختلف موقتاً محل سکونت خود را ترک می‌کنند و پای در کشور دیگری می‌نهند. اینان گردشگرانی هستند که از حق آمد و شد خویش بهره می‌گیرند؛ حتی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر غربی و اسلامی به رسمیت شناخته شده است و از مهم‌ترین حقوق و آزادی‌های عمومی برای بشر شناخته می‌شود و بالطبع کشورها ملزم به رعایت آن هستند و در ادامه به آن اشاره خواهد شد. البته این حقوق مانع از انجام تکالیف قانونی مربوط به ضوابط ورود و خروج از یک کشور به کشور دیگر نیست. به عبارت دیگر، شناسایی اصل حق، ملازمه‌ای با اسقاط الزامات قانونی آن ندارد. نظریه‌ی معتبر و غالب در مورد حق رفت و آمد گردشگران، آزادی ورود آنان با لحاظ کردن مصالح کشور است. این نظریه از سوی مؤسسه حقوق بین‌الملل که در سال ۱۹۲۸ میلادی در ژنو تشکیل گردید عنوان شد؛ مطابق این نظریه هرچند اصل بر آزادی ورود و اقامت بیگانه است ولی این اصل به‌طور مطلق و بدون قید و شرط نمی‌تواند از طرف دولت‌ها پذیرفته شود زیرا هر دولتی باید تا حدودی به اصول بین‌المللی احترام بگذارد که به امنیت و نظم عمومی جامعه‌ی خود لطمه‌ای وارد ننماید^۵ و چون نظم عمومی به ارزش‌های مورد پذیرش در هر جامعه‌ای بستگی دارد و این هنجارها از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر متفاوت است لذا قیود و شروط و محدودیت‌ها در همه‌ی کشورها یکسان نیست.

^۱ غریبه، ع. (۱۳۹۰) "حق گردشگری و حقوق عمومی گردشگران خارجی"، فصلنامه علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی، شماره ۳۵، ص ۱۹۱.

^۲ The Universal Declaration of Human Rights (۱۹۴۸).
^۳ The right to rest, leisure, and paid leave.
^۴ The right to freedom of movement.

^۵ غریبه، ع. پیشین، ص ۲۰۰.



ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر که مهم‌ترین مبنای بین‌المللی حق گردشگری محسوب می‌شود، اعلام می‌دارد:
۱. هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور و محل اقامت خود را انتخاب کند.
۲. هر کس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود بازگردد.
بند الف ماده ۲۰ اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز بیان می‌دارد:
«هر انسانی حق دارد که آزادانه از محلی به محل دیگر منتقل شود و محل اقامت خود را در شهرها و کشورهای اسلامی یا خارج از آنها در موقع ضرورت انتخاب کند».

بدین صورت، حق تمامی مردم برای آزادانه رفت و آمد کردن بین کشورهای مختلف تضمین می‌شود. از تبعات گردشگری این است که گردشگران از سفرهای خود بهره ببرند، همان‌گونه که بدون هیچ تبعیضی، به اماکن گردشگری و فرهنگی دسترسی خواهند داشت. گردشگران، صرف نظر از عقاید دینی و به اعتبار انسان بودن، واجد اعتبار و ارزش هستند. جان و مال و حیثیت این‌گونه افراد در گذر از کشورها مصون از تعرض است. اینان از حقوق طبیعی انسانی برخوردارند و بر دولت و ملت کشور میزبان لازم است که حرمت این حقوق را پاس دارد. این مصونیت از تعرض و حس داشتن امنیت، محرکی است برای گردشگر تا به سیر و سفر و گردش بپردازد. بنابراین اصل امنیت نیز از اصول مهم حقوق و آزادی‌های حقوق عمومی است؛ این اصل برای اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه در سال ۱۷۸۹ صراحتاً بیان گردید. از دیگر دلایل و مبنای حق گردشگری، اصل آزادی است. انسان آزاد آفریده شده و هیچ کس حق ندارد این آزادی را از انسان سلب کند. آزادی، عبارت از حقی است که به موجب آن افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خویش را به کار اندازند، مشروط بر این‌که آسیبی و یا زبانی به دیگران وارد نسازند. پس حق گردشگری، نیز جزئی از آزادی افراد محسوب می‌شود و حرمت این آزادی باید نگاه داشته شود.^۱

۴- پذیرش جهانی حق گردشگری

تنها راه اجرایی شدن این حق از طریق سازمان‌های بین‌المللی است. ارتباط میان حقوق اساسی بشر و گردشگری غیرقابل انقطاع است. حق جهانی گردشگری در اسناد و اعلامیه‌های بین‌المللی ذیل مورد تأیید قرار گرفته است:

- اعلامیه مانیلا در مورد گردشگری جهانی مصوب ۱۹۸۰.
- اسناد آکاپولکو ی مکزیک در مورد حقوق مربوط به تعطیلات و مرخصی‌ها مصوب ۱۹۸۲.
- حقوق گردشگری و کد گردشگری (Sofia Bulgaria) مصوب ۱۹۸۵.
- اعلامیه ریو پیرامون محیط‌زیست و توسعه و دستور کار ۲۱ در کنفرانس ملل متحد پیرامون محیط‌زیست و توسعه مصوب ۱۹۹۲.
- بیانیه امان (اردن) پیرامون صلح از طریق گردشگری مصوب ۲۰۰۰.
- کد جهانی اخلاقی برای گردشگری مصوب ۲۰۰۱.

۴-۱- اعلامیه مانیلا

این اعلامیه در خصوص حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی در تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۸۲ مورد تصویب قرار گرفت. این جلسه براساس یک متن از پیش آماده شده توسط کمیته ویژه‌ی منصوب در چارت سازمان ملل متحد و پیرامون تحکیم نقش سازمان در مانیلا فیلیپین برگزار گردید. این اعلامیه اولین ابزار مهم کار کمیته و از دستاوردهای قابل توجه است. اعلامیه مانیلا به ابتکار کشورهای غیرمتعهد (مصر، اندونزی، مکزیک، نیجریه، فیلیپین، رومانی، سیرالئون و تونس) تشریح شده است.^۱

^۱ همان، ص ۱۹۰.

^۲ The Manila Declaration on World Tourism of ۱۹۸۰.
^۳ The Acapulco (Mexico) Documents on the Rights to Holidays of ۱۹۸۲.
^۴ The Tourism Bill of Rights and Tourist Code of ۱۹۸۵ (Sofia, Bulgaria).
^۵ The Rio Declaration on Environment and Development and Agenda ۲۱ adopted at the United Nations Conference on Environment and Development on ۱۴ June ۱۹۹۲.
^۶ The Amman Declaration on Peace through Tourism of ۲۰۰۰.
^۷ The Global Code of Ethics for Tourism (۲۰۰۱).
^۸ For more information, see, www.univeur.org .



در بخش ۱ اعلامیه تصریح شده است، طرق جلوگیری از اختلافات بر روابط میان دولت‌ها تأثیر می‌گذارد و به اصول اخلاقی صحیح اشاره می‌کند. ذکر اصول اخلاقی در این اعلامیه قابل توجه است. افزون بر این، متن تأکید می‌کند که دولت‌ها در انتخاب طرق این اصول اخلاقی آزاد هستند و اختلافات باید به طور انحصاری از طریق مسالمت‌آمیز حل و فصل شود. در بند ۱۲ بخش اول، دعوت به توسعه‌ی این اعلامیه در مورد توسل به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات در اعمال حق تعیین سرنوشت دارد.

۲-۴- اسناد آکاپولکو

سازمان جهانی گردشگری در آکاپولکوی مکزیک در تاریخ ۲۱ تا ۲۷ اگوست ۱۹۸۲ تشکیل جلسه داد. سازمان جهانی گردشگری که از نمایندگی‌های سازمان ملل متحد است و پیش‌تر در مورد آن بحث شد، بزرگترین تشکیلات جهان‌گردی جهان است و در سال ۱۹۷۵ تأسیس گردید، مهم‌ترین برنامه‌های سازمان به شرح ذیل است:

- کمک به توسعه اقتصادی کشورها از طریق گسترش جهانگردی.
- تقویت نقش جهانگردی به عنوان یک عامل حیاطی در بازرگانی جهان.
- تاکید بر اثرات فرهنگی و اجتماعی جهانگردی بر زندگی ملل.
- حمایت از منافع، حقوق جهانگردی و سازمانهای جهانگردی
- آگاهی و نظارت دائم در زمینه‌های حفاظت محیط زیست و بهبود روش زندگی
- جریان آزاد و بدون مانع جهانگردی از یک کشور به کشور دیگر و در داخل هر کشور.

با نگاه به اجرای تدریجی اهداف تنظیم شده توسط اعلامیه مانیلا، به عنوان نتیجه کنفرانس جهانی گردشگری، این اسناد منتشر گردید. نکات مهمی که در این اسناد وجود دارد به قرار ذیل است:

- تدارک برای تعطیلات و سفر و گردشگری درون مرزی و برون مرزی
 - اقدام برای لحاظ کردن انگیزه‌های سفر افراد تا در مقام رشد شخصی شخص کمکی صورت پذیرد.
 - کمک به آموزش و رشد آگاهی فرد از سرنوشت او که با دیگران به اشتراک می‌گذارد.
 - فراهم ساختن بهترین شرایط ممکن برای آموزش و آماده‌سازی از طریق رسانه‌های جمعی و پیشرفته‌ترین تکنیک‌های ارتباطی.
 - جشن روز جهانی گردشگری یکی از عوامل مهم برای ایجاد آگاهی از ارزش‌های گوناگون آن است.
 - تدارک برای سفر باید از طریق تلاش‌های مشترک انجام یابد. همبستگی و همکاری بین‌المللی در چهارچوب فعالیت‌های تبلیغاتی سازمان جهانی گردشگری صورت پذیرد.
- در نهایت تأکید می‌شود که دولت‌ها باید در راستای اجرای مفاد اعلامیه مانیلا در خصوص حق آزادی رفت و آمد تلاش نمایند و از سازمان جهانی گردشگری حمایت لازم را به‌جا آورند.

۳-۴- کدهای جهانی گردشگری مصوب سازمان جهانی گردشگری

سازمان جهانی گردشگری، پدیده‌ی گردشگری را نیرویی پر قدرت برای بهبود روابط، تفاهم بین‌المللی و مشارکت در صلح می‌داند. از اسناد صادره توسط این سازمان، می‌توان به حقوق گردشگری و کد گردشگری (Sofia Bulgaria) مصوب ۱۹۸۵ اشاره کرد. این کدها، گردشگری را مسبب ایجاد درک متقابل و نزدیکی انسان‌ها به هم معرفی می‌کند. گردشگری، به عنوان گسترش‌دهنده‌ی همکاری‌های بین‌المللی، نیروی ارتباط‌دهنده‌ی زنان و مردان با فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی مختلف، قدرت حیاتی برای ایجاد صلح و عاملی برای دوستی و تفاهم بین انسان‌ها عمل می‌کند. این سازمان دارای کدهای جهانی اخلاق گردشگری است که از یک سو بهبود صنعت گردشگری و ایجاد تفاهمات بین‌المللی را دنبال می‌کند و از سوی دیگر برای دستیابی به توسعه پایدار و حفظ میراث گردشگری تلاش می‌نماید. در این کدها نیز بر حقوق و آزادی حرکت و تردد گردشگر تأکید ویژه شده است.

۴-۴- بیانیه ریو پیرامون محیط‌زیست و توسعه

کنفرانس سازمان ملل متحد پیرامون محیط‌زیست و توسعه از ۳ تا ۱۴ ژوئن ۱۹۹۲ در شهر ریودوژانیرو با تأکید بر «بیانیه کنفرانس سازمان ملل متحد پیرامون محیط‌زیست انسان» تشکیل گردید. هدف از این بیانیه، ایجاد همکاری جدید و برابر جهانی از طریق ایجاد سطوح نوینی از تشریک مساعی میان دولت‌ها، تلاش جهت نیل به توافقات بین‌المللی، یکپارچگی محیط‌زیست جهان می‌باشد. در اصل ۱ اشاره شده، انسان در کانون اهداف



توسعه پایدار است و مستحق برخورداری از یک زندگی سالم و خلاق در هماهنگی با طبیعت می‌باشد. همکاری دولت‌ها برای تقویت ارکان توسعه پایدار از طریق تبادلات علمی و تکنولوژی در اصل ۹ مدنظر قرار گرفته است. بدیهی است یکی از راه‌های مبادله اطلاعات و تکنولوژی و آشنایی با علم و آگاهی مناطق مختلف، سفر کردن به آن نقاط است. اصل ۲۵ مقرر می‌دارد، صلح، توسعه و حفاظت از محیط‌زیست وابسته به یکدیگر و غیرقابل تفکیک می‌باشند.

دستور کار ۲۱، در خصوص معاهدات تنوع زیستی و تغییرات آب و هوا و اصول حفاظت از جنگل‌ها، سندی مورد توافق و احترام جامعه جهانی و اراده جمعی دولت‌ها برای تحقق توسعه پایدار در قرن ۲۱ است. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره گردید دسترسی مجاز به منابع فرهنگی و طبیعی کشور میزبان از موارد پراهمیت مربوط به امر گردشگری است. در این دستورکار اعلام شده، همه مردم از حقوق یکسانی برخوردارند. برای دستیابی به توسعه پایدار، سیستم برنامه‌ریزی تلفیقی جهت انجام امور اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴-۵- بیانیه امان پیرامون صلح از طریق گردشگری

مؤسسه بین‌المللی صلح از طریق گردشگری^۱، در سال ۱۹۸۶، سال صلح سازمان ملل، با این نگرش تأسیس شد تا سفر و گردشگری را به عنوان «اولین صنعت صلح جهانی» مطرح کند. و این ایده را دنبال می‌کند که گردشگر بالقوه «سفیر صلح» است و مأموریت وی تبدیل گردشگری به نخستین مؤسسه صلح جهانی است. نخستین کنفرانس مؤسسه در سال ۱۹۸۸ در ونکوور برگزار گردید و شعار آن «صلح و توسعه از طریق جنبش گردشگری» عنوان شد. کنفرانس‌های جهانی بعدی (۱۹۹۴ مونترال و ۱۹۹۹ گلاسکو) پایه گذار سه گردهمایی سران جهانی به منظور صلح از طریق گردشگری در امان اردن (۲۰۰۰)، ژنو در سوئیس (۲۰۰۳) و پاتایا در تایلند (۲۰۰۵) و چهار کنفرانس آفریقایی نلسپرویت آفریقای جنوبی (۲۰۰۱)، دارالسلام تانزانیا (۲۰۰۳)، لوساکا در زامبیا (۲۰۰۵) و کامپالا در اوگاندا (۲۰۰۷) بوده است.^۲ این مؤسسه، گردشگری را در موارد مهم زیر نقش‌آفرین می‌داند:

- ارتقای آگاهی و همکاری بین‌المللی
- محافظت از محیط‌زیست
- تقویت مبانی فرهنگی و حفظ ارزش میراث‌ها
- توسعه پایدار
- کاهش فقر
- ترمیم آسیب‌های ناشی از درگیری‌ها

پس از پایان پذیرفتن این بخش، اشاره به این مورد خالی از لطف نخواهد بود که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل ۱۴ به روابط با افراد غیر مسلمان اشاره شده که گردشگران نیز می‌توانند مصداقی از آن باشند. اصل ۱۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «به حکم آیه شریفه «لا ینهاکم الله عن الدین لم یقاتلکم فی الدین و لم یخرجکم من دینارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.»

نیاید از یاد برد که گردشگران، میهمانان کشور میزبان محسوب می‌شوند و کشور میزبان با صدور روادید عملاً پیمان دوستی و عدم تعرض نسبت به آن‌ها را امضا می‌کند لذا در قبال امنیت جانی و مالی گردشگر مسئول شناخته می‌شود و با توجه به حقوق اساسی بشر که در بالا اشاره کردیم در صورت عدم رعایت حقوق گردشگران مسئولیت بین‌المللی دولت مطرح می‌شود. به ویژه این که در کشورهای اسلامی این مسئولیت دوچندان می‌شود چراکه دین اسلام، افزون بر تأکید بلیغ بر پای‌بندی و پایداری در برابر پیمان‌ها، بایسته نگه داشتن حقوق همه انسان‌ها و حاکمیت عدالت اجتماعی و پرهیز از هرگونه تجاوز و خیانت، پیروانش را در ارتباط با دیگر ملت‌ها به یک سلسله رفتارهای اخلاقی و اجتماعی و تربیتی سفارش کرده است.

۵- نتیجه‌گیری

صنعت روبه‌رشد گردشگری از ارکان اصلی اقتصاد تجاری یک کشور و توسعه‌ی پایدار است لذا این شایستگی را دارد که نگاهی نو و ویژه به آن اختصاص یابد. در اسناد بین‌المللی، گردشگری به عنوان حقی ذاتی، فطری و اساسی شناخته می‌شود چنان‌چه در حقوق بشر، در پرتوی حقوقی از جمله

^۱ International Institute for Peace through Tourism.

^۲ For more information, see, www.iipt.org .



حق حیات، حق آزادی، حق برخورداری از امنیت، حق آزادی رفت و آمد، به رسمیت شناخته شده است. تأسیس سازمان جهانی گردشگری از اقدامات مثبت سازمان ملل در راستای شناسایی حقوق و تکالیف گردشگران بوده است. لکن به نظر می‌رسد برای دستیابی به یک پشتوانه و ضمانت اجرای محکم و الزام آور بایستی حقوق مربوط به گردشگران به صورت صریح و شفاف در حقوق داخلی کشورها نیز شناسایی شود همان‌گونه که در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره گردیده برای معتبر دانسته شدن حقوق، بایستی حمایت قانونی از آن صورت گیرد تا در صورت پایمال شدن آن، ضمانت اجرایی وجود داشته باشد و مسئول جبران خسارت معلوم باشد. نباید از یاد برد که صنعتی شدن این پدیده نمی‌تواند مانعی برای اساسی و اجتماعی شمردن این حق باشد؛ به‌منظور حفظ منابع گردشگری دسترسی و استفاده از آن باید محدود و اصولی باشد تا تمام طبقات جامعه طبق اصل تساوی اشخاص به طور عادلانه از حقوق خود برخوردار باشند و منافع چنین پدیده‌ی درآمدزایی هم شامل حال کشورهای درحال توسعه برای بهبود شرایط و هم کشورهای توسعه یافته جهت سرمایه‌گذاری و اتخاذ برنامه‌های بلندمدت گردد. صلح و پیشرفت بین‌المللی از طریق مبادله و انتقال اطلاعات، تکنولوژی و فرهنگ‌ها صورت می‌پذیرد و این مهم توسط پدیده‌ی گردشگری قابلیت تحقق پیدا می‌کند. این آشنایی و نزدیکی با فرهنگ‌های مختلف موجب استقرار صلح و دوستی میان ملل است و این‌گونه یکی از اهداف بشریت که همانا برقراری صلح و امحاء خشونت است، دست‌یافتنی می‌شود. دولت‌ها نقش مهم و سونوشت سازی را در خصوص لازم‌الاجرا شدن این حق اساسی ایفا می‌کنند؛ از آن جهت که با حضور و مداخله‌ی حساب شده‌ی خود در این عرصه ضمن نظارت بر صنعت گردشگری و تخصیص درآمد ناشی از آن به هزینه‌های کشور، در راستای احقاق حقوق اعضای سرزمین خود و دیگر کشورها و پیش‌گیری از تخریب منابع طبیعی و آثار گردشگری اعمال حاکمیت خواهند کرد البته همواره باید این نکته را در ذهن داشته باشند که این اعمال قدرت نباید بدون دلیل موجه به آزادی و حق انتخاب گردشگران خدشه وارد سازد چراکه پشتوانه‌ی این حق، محاکم بین‌المللی و مسئولیت حقوقی است. لذا با وضع قوانین اصولی و صریح در سطح داخلی در قوانین عادی کشورها برپاشدن این نظم حقوقی، حتمی و قطعی است.

منابع

[۱] افضل‌ی، ر. فرجی، ا. شعبانی‌فرد، م. (۱۳۸۹) "جایگاه حقوق گردشگران خارجی از نگاه اسلام و قوانین حقوقی جمهوری اسلامی ایران"، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۳.

[۲] سنجرى، ا. (۱۳۸۹) "حقوق بیگانگان در حقوق بین‌الملل و اسلام"، مجله گفت‌مان حقوقی، شماره‌های ۱۷ و ۱۸.

[۳] شریعتی، ر. (۱۳۸۴) "مبانی و حقوق جهان‌گردان از دیدگاه منابع اسلامی"، مجله فقه و حقوق، شماره ۷.

[۴] ضرغام بروجنی، ح. خسروانی‌دهکردی، ا. (۱۳۹۱) "اثرات توسعه گردشگری بر شاخص‌های صلح جهانی"، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری، شماره ۱۹.

[۵] غریبه، ع. (۱۳۹۰) "حق گردشگری و حقوق عمومی گردشگران خارجی"، فصلنامه علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی، شماره ۳۵.

[۶] کامیار، غ. (۱۳۸۳) "حقوق و تکالیف جهان‌گردان غیرمسلمان در ایران"، مجله مجلس و راهبرد، شماره ۴۴.

[۷] کلانتری، ع. (۱۳۷۶) "فقه و صنعت جهان‌گردی"، مجله فقه و اصول، شماره ۱۴.

[۸] Wassung, N. and the others (۲۰۰۹). Tourism Development ۱. Phillipa van Aardt.
[۹] www.iipt.org
[۱۰] www.legal.un.org
[۱۱] www.unic-ir.org
[۱۲] www.univeur.org
[۱۳] www.unwto.org